

آیا کاربران کتابخانه‌های عمومی از شبکه‌های اجتماعی برای اشتراک دانش استفاده می‌کنند؟: یک مطالعه کیفی*

راضیه سعادت‌نسب^۱
دکتر اورانوس تاج‌الدینی^۲
دکتر عادل سلیمانی‌نژاد^۳

چکیده

هدف: بررسی چگونگی به‌کارگیری شبکه‌های اجتماعی برای اشتراک دانش توسط کاربران و مراجعه‌کنندگان کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان است.

روش‌شناسی: در این پژوهش از رویکرد کیفی و روش نظریه زمینه‌ای استفاده شده است. جامعه پژوهش حاضر همه کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان است و نمونه پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری متوالی نظری انتخاب شده‌اند. داده‌های موردنیاز این پژوهش از طریق مصاحبه نیمه‌ساختار یافته با مشارکت‌کنندگان در پژوهش گردآوری شده است. برای تعیین روایی و پایایی پژوهش حاضر از روش ارزیابی لینکولن و گوبا که معادل روایی و پایایی در تحقیقات کمی است، استفاده گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس روش رمزگذاری نظری طی سه مرحله رمزگذاری باز، رمزگذاری محوری و رمزگذاری انتخابی انجام شده و سپس با استفاده از شیوه‌های منظم گردآوری داده‌ها به تشخیص مقوله‌های واقعی و مضمون‌های علمی پرداخته شده که طی آن ۶۴ گزاره مفهومی استخراج و در نهایت براساس آن‌ها به تجزیه و تحلیل مضامین واقعی پرداخته شد.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: یافته‌های این پژوهش نشان داد که در حال حاضر کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان شبکه‌های اجتماعی را جهت اشتراک دانش، تجارب، ایده‌ها، انجام فعالیت‌های گروهی، سرگرمی و پرکردن اوقات فراغت مورد استفاده قرار می‌دهند اما به‌طور کلی دیدگاهی منفی از سوی این افراد نسبت به کاربرد شبکه‌های اجتماعی وجود دارد؛ البته در عین حال ارتباطات براساس توطیع و اشتراک دانش در این حیطه به چشم می‌خورد.

واژگان کلیدی: اشتراک دانش، شبکه‌های اجتماعی، کاربران کتابخانه‌های عمومی.

* تاریخ ارسال مقاله: ۹۵/۰۵/۰۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۰۷/۰۱

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران. raziyesaadatnasab@gmail.com
^۲ عضو هیأت علمی گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران. Tajedini.o@gmail.com
^۳ عضو هیأت علمی گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران. adels2004@yahoo.com

مقدمه

امروزه دانش به‌عنوان منبعی ارزشمند و راهبردی و نیز یک دارایی مطرح است و ارائه محصولات و خدمات با کیفیت مناسب و اقتصادی، بدون مدیریت و استفاده صحیح از این منبع ارزشمند امری سخت و بعضاً ناممکن است. در این نگرش، دانش به‌عنوان منبعی ارزشمند در کنار منابعی مانند کار، زمین و سرمایه (که پیش‌تر در اقتصاد مورد توجه بود) به‌عنوان دارایی پرمایه مطرح شده است. فرایند خلق دانش، فرایندی اجتماعی است که از طریق آن افراد دانش خود را می‌سازند و به اشتراک می‌گذارند (جباری، ۱۳۹۲)، از جنبه‌های بسیار برجسته و متمایز به اشتراک گذاری دانش، این است که افراد، هرچه دانش خود را توزیع نمایند موجب ارزش افزوده بیشتری خواهد شد، زیرا که افراد به شیوه‌های جدید و متکی بر الگوی خود-سازمان‌دهی به تولید و خلق دانش می‌پردازند (تانگ و همکاران^۱، ۲۰۱۲). اشتراک هدفمند دانش به یادگیری سریع‌تر فردی و سازمانی منجر گشته، خلاقیت را توسعه می‌دهد و در نهایت به بهبود عملکرد فرد و سازمان می‌انجامد. برای اینکه دانش ارزشمندتر شود باید با دیگران تقسیم شود، انتقال و اشتراک می‌تواند

^۱ Tung et al

فعال یا منفعل باشد. دانش را می‌توان با استفاده از ابزارهای مدیریت دانش در کتابخانه‌ها یا مراکز اطلاع‌رسانی یا از طریق تعامل شخصی انتقال داد (رهنورد و خاوندکار، ۱۳۸۷). در این شرایط که سازمان‌ها به‌ویژه کتابخانه‌ها به سمت یادگیری مستمر و خلاقانه حرکت می‌کنند، اشتراک دانش، یکی از هسته‌های اصلی مدیریت دانش اثربخش محسوب شده (جعفرزاده کرمانی، ۱۳۹۱) و کتابخانه‌ها به‌عنوان محیطی آموزشی و پژوهشی، مکان مناسبی برای اشتراک‌گذاری دانش و ترویج فرهنگ اشتراک دانش شمرده می‌شوند.

برای به اشتراک گذاشته شدن دانش در سازمان‌ها عوامل متعددی از جمله فناوری اطلاعات^۱، فناوری ارتباطات^۲، عوامل سازمانی، عوامل انسانی و... مؤثر هستند (دخت‌عصمتی و قربانی^۳، ۲۰۱۳). این عوامل در کتابخانه‌های عمومی نیز به‌عنوان یک سازمان باعث اشتراک دانش بین کتابداران و نیز کاربران این کتابخانه‌ها می‌شود. کتابخانه‌ها محل کسب و کار دانش هستند زیرا تمامی اعضاء آن در فعالیت‌های روزمره خود به‌طور مداوم در فرایند خلق، نشر و یادگیری دانش درگیر می‌شوند. اشتراک دانش در کتابخانه‌ها ممکن است بین کتابداران و کاربران یا کتابداران با یکدیگر و نیز کاربران با یکدیگر صورت بگیرد.

در کتابخانه‌های عمومی ارتباط به شیوه‌های مختلفی برقرار می‌شود تا دانش، تجربه‌ها و مهارت‌ها به اشتراک گذاشته شود که این عملیات منجر به خلق دانش جدیدی در محیط کتابخانه‌های عمومی می‌شود و همه عوامل از جمله کاربران و کتابداران می‌توانند از آن استفاده کنند. کاربران و کتابداران در کتابخانه‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز تولید و اشاعه دانش بایستی با یکدیگر ارتباط مناسبی داشته باشند و از طریق این ارتباط به انتقال مؤثر آنچه که مفید است با یکدیگر اقدام کنند. شبکه‌های اجتماعی^۴ می‌تواند به‌عنوان یک شیوه بسیار مؤثر در جهت به ثمر رساندن این هدف مدنظر قرار گیرد. کاربران و کتابداران کتابخانه‌های عمومی می‌توانند با برنامه‌ریزی در محیط کتابخانه‌ها و شناسایی نیازهای

¹ Information Technology

² Communication Technology

³ Dokhtesmati & Ghorbani

⁴ Social Networks

یکدیگر، دانش خود را در اختیار یکدیگر قرار داده و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های انسانی در توزیع و اشاعه دانش، در راستای توسعه منابع دانشی، دانش خود را به کار گیرند. اگر پیدایش اینترنت در آغاز هزاره دوم را مهم‌ترین اتفاق تاریخ بشریت بنامیم، می‌توان ظهور شبکه‌های اجتماعی را یکی از بزرگ‌ترین تأثیرات این پدیده در آغاز هزاره سوم دانست (پادیاب، ۱۳۹۱).

رسانه‌های اجتماعی و فناوری مرتبط با آن از جمله شبکه‌های اجتماعی فرصت‌های مناسبی را برای کاربران کتابخانه‌های عمومی به وجود آورده است. این نوآوری‌ها در اشتراک دانش و اطلاعات نقش حائز اهمیتی دارند. کتابخانه‌های عمومی شاید بیشتر از هر نهاد یا سازمان دیگری از تعامل با این نوآوری‌ها بهره‌مند می‌شوند. شبکه‌های اجتماعی از جمله ابزارهای است که امکان ارائه و تبادل افکار و اندیشه‌ها را برای همه اقشار فراهم نموده و به‌عنوان بستری مناسب جهت همکاری با دیگران و ایجاد زمینه لازم برای به اشتراک گذاری دانش و اطلاعات برخط^۱ قرار گرفته است. در واقع هدف نهایی رسانه‌های اجتماعی ایجاد جامعه فعال و شبکه دانش است که به واسطه آن افراد می‌توانند به مبادله اطلاعات با ارزش خود بپردازند و بدین ترتیب دیگران را نیز در این اطلاعات سهیم سازند (اناری و همکاران، ۱۳۹۲).

با توجه به مطالب گفته شده، شبکه‌های اجتماعی ابزارهای بسیار مناسبی برای اشتراک دانش در سازمان‌های آگاهی محور از جمله کتابخانه‌های عمومی به نظر می‌رسد که به کارگیری آن‌ها در کتابخانه‌های عمومی می‌توانند فرصت‌های زیادی را به همراه داشته باشد و بنابراین آگاهی از چگونگی به کارگیری این ابزارها در کتابخانه‌های عمومی ضروری به نظر می‌رسد و بر همین اساس این پژوهش باهدف بررسی چگونگی به کارگیری شبکه‌های اجتماعی من جمله (فیس بوک^۲، تویترا^۳، یوتیوب^۴، گوگل پلاس^۵، مای اسپیس^۶ و

^۱ Online

^۲ Facebook

^۳ Twitter

^۴ YouTube

^۵ Google Plus

^۶ My Space

... برای امر اشتراک دانش توسط کاربران کتابخانه‌های عمومی انجام گرفته است. البته این نکته نیز شایان ذکر است که کتابخانه‌های عمومی اصولاً با اهداف اصلی به جز دانش‌گستری شناخته می‌شوند و این پژوهش در نظر دارد مسأله اشتراک دانش را در کتابخانه‌هایی که به‌عنوان دانشگاه‌های مردم شناخته می‌شوند و با ابزاری با عنوان شبکه‌های اجتماعی مورد بررسی قرار دهد.

زارعی (۱۳۹۳) در پژوهشی پیمایشی رابطه تسهیم دانش و قابلیت نوآوری در کتابخانه‌های دانشگاهی را سنجیده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد میزان تسهیم دانش، قابلیت نوآوری و ظرفیت جذب در کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران در سطح مطلوبی قرار ندارد. علاوه‌براین تحلیل واریانس برای متغیرهای مذکور، تفاوت معناداری را در کتابخانه‌های یادشده نشان نمی‌دهد. بین متغیرهای تسهیم دانش و نوآوری در خدمات رابطه معناداری وجود ندارد؛ اما نوآوری در فرآیند و نوآوری در مدیریت رابطه معناداری باهم دارند.

نعمتی انارکی (۱۳۹۳) در پژوهشی اشتراک دانش برون‌سازمانی را باهدف شناسایی و تأیید عوامل مؤثر بر اشتراک دانش برون‌سازمانی و شاخص‌های آن میان اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در رشته پزشکی و ارائه الگوی جامع موردبررسی قرار داد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که از بین سه عامل موردبررسی تنها عامل سازمانی بر میزان اشتراک دانش برون‌سازمانی معنادار تشخیص داده شده است و دو عامل فردی و فنی تأثیر معناداری را بر میزان اشتراک دانش نشان ندادند. در نتیجه برنامه‌ریزان خواهند توانست با استفاده از دستاوردهای این پژوهش مبنای تجربی مناسبی برای به اشتراک‌گذاری دانش فراهم آورند.

اناری و دیگران (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی میزان استفاده از ابزارهای شبکه‌های اجتماعی در به اشتراک‌گذاری دانش بین کتابداران دانشگاه اصفهان پرداخته و نتایج این پژوهش که به‌صورت پیمایشی انجام شده، نشان داد که میزان استفاده کتابداران دانشگاه اصفهان از ابزارهای شبکه‌های اجتماعی در روند به اشتراک‌گذاری دانش روبه پایین ارزیابی شده است. همچنین از میان هریک از ابزارهای شبکه‌های اجتماعی، ابزارهای ویکی

بیشترین و ابزارهای میکرو بلاگینگ^۱ کمترین میزان استفاده را در بین کتابداران این دانشگاه به خود اختصاص داده‌اند.

اکبری (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی در جلب مشارکت اجتماعی از دیدگاه دانشجویان کاربر فیس‌بوک در دانشگاه‌های شهر تهران با هدف بررسی نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی بر جلب مشارکت اجتماعی افراد پرداخت. یافته‌های این پژوهش که به روش پیمایشی انجام گرفته است نشان داده است که میان نفوذ شبکه‌های اجتماعی مجازی، بهره‌مندی افراد از این شبکه‌ها و همچنین جلب مشارکت اجتماعی کاربران رابطه معناداری وجود دارد. به‌علاوه، میان متغیرهای رشته و مقطع تحصیلی کاربران و نقش مشارکتی شبکه‌های اجتماعی نیز رابطه معناداری وجود دارد؛ حال آن‌که ارتباط معناداری میان متغیرهای جنس و پایگاه اجتماعی کاربران و نقش مشارکتی شبکه‌های مجازی مشاهده نگردید.

چاگ و همکاران^۲ (۲۰۱۵) در پژوهشی عوامل مؤثر بر اشتراک دانش در سازمان‌های مجازی را با در نظر گرفتن احساس رفاه کارکنان به‌عنوان یک عامل واسطه مورد بررسی قرار داده‌اند. این پژوهش با هدف کشف اثر احساس رفاه کارکنان بر سرمایه اجتماعی و تسهیم دانش در سازمان‌های مجازی انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که وقتی کارکنان رفاه کافی داشته باشند و در سطح قابل قبولی از سرمایه اجتماعی قرار داشته باشند به‌طور فزاینده‌ای در به اشتراک‌گذاری دانش ضمنی و صریح مشارکت می‌کنند. علاوه بر این احساس رفاه کارکنان در رابطه بین سرمایه اجتماعی و رفتار اشتراک دانش ضمنی و صریح در سازمان‌های مجازی نقش مثبت و واسطه‌ای را بازی می‌کند و این به این معنا است که مدیران سازمان‌های مجازی به یک راهبرد برای ایجاد محیطی که کارکنان در آن احساس خوبی داشته باشند، به‌منظور افزایش تمایل کارکنان برای به اشتراک‌گذاری دانش ضمنی و صریح خود، نیاز فوری دارند.

^۱ Microblogging

^۲ Chung et al

فورسیر^۱ (۲۰۱۲) در پژوهشی به بررسی مقدماتی کاربرد وبلاگ‌ها برای اشتراک دانش داخلی در کتابخانه‌های دانشگاهی پرداخته است. از طریق مصاحبه نیم‌ساخت یافته با پنج کتابدار به این نتیجه رسید که وبلاگ‌ها توسط کتابداران دانشگاهی برای ارتباطات داخلی مورد استفاده قرار می‌گیرند. بنابراین این رسانه ارزشی را برای کتابخانه ۲ در ارائه خدمات به ارمغان آورده است که البته کاربرد چنین ابزارهایی تا حد زیادی برای اشتراک گذاری دانش درونی ناشناخته مانده است.

چو، چن و زو^۲ (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان چگونگی به کارگیری سراج‌های شبکه‌های اجتماعی توسط کتابخانه‌ها برای تعامل با کاربران به بررسی روش‌های به کارگیری سراج‌های شبکه‌های اجتماعی در کتابخانه‌ها و نگرش کتابداران و کاربران نسبت به این سراج‌ها پرداخته‌اند. پژوهشگران در این پژوهش بر روی تعاملات بین کاربران سراج‌های فیس‌بوک و توییتر تمرکز کرده‌اند و چهار نوع تعامل شامل اشتراک دانش، انتشار دانش، ارتباطات و جمع‌آوری دانش مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد از میان چهار نوع تعامل اشتراک دانش بیشترین حجم از پاسخ‌ها را به خود اختصاص داده است. همچنین برای بهبود کارایی تعامل با کاربران در سراج‌های شبکه‌های اجتماعی، ضروری است، کتابخانه‌ها تفاوت‌های انواع سراج‌های شبکه‌های اجتماعی مورد استفاده خود را تعدیل کنند و روابط کاربران را در این سراج‌ها تحت نظر قرار دهند.

این پژوهش با توجه به موارد ذکر شده درصدد پاسخگویی به این سؤالات و ارائه مدل پارادایمی مقتضی است:

۱. کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان چه شناختی از شبکه‌های اجتماعی

دارند؟

۲. کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان چگونه شبکه‌های اجتماعی را

مورد استفاده قرار می‌دهند؟

¹ Forcier

² Chu, Chen & Xu

۳. کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان چگونه شبکه‌های اجتماعی را جهت به اشتراک‌گذاری دانش مورد استفاده قرار می‌دهند؟

روش‌شناسی پژوهش

روش انجام پژوهش حاضر کیفی بوده و به شیوه نظریه زمینه‌ای^۱ به انجام رسیده است. پژوهش‌های کیفی نوعی از پژوهش است که یافته‌های آن از طریق روش‌های آماری یا ابزارهای کمی‌سازی به دست نیامده است (اشتراوس و کوربین^۲، ۱۹۹۸، ۳۱). ویژگی اصلی پژوهش کیفی در وهله اول، مربوط به توجه این رویکرد به موقعیت‌ها یا افراد خاص و تأکید بر کلمات به جای اعداد است (ماکسول^۳، ۱۹۹۶). نظریه زمینه‌ای یکی از راهبردهای اجرای پژوهش کیفی است که نظریه‌ها، فرضیه‌ها و قضایا را به جای استنتاج از پیش فرض‌های قبلی، سایر پژوهش‌ها یا چارچوب‌های نظری موجود، به‌طور مستقیم از داده‌ها کشف می‌کند.

جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان است. شهر کرمان تا زمان انجام این پژوهش به‌طور کلی دارای واحد کتابخانه عمومی است که کاربران با طیف‌های متفاوت جامعه را شامل می‌شود. با توجه به روش انجام این پژوهش و نیز گستردگی جامعه پژوهش، نیاز به نمونه‌گیری مبرهن است. در این‌گونه پژوهش‌ها نمونه‌گیری بر اساس مفاهیمی صورت می‌گیرد که در خلال تحلیل ظهور می‌یابند. در این نوع از نمونه‌گیری، پژوهشگر برای گردآوری اطلاعات با افرادی تماس برقرار می‌کند که در زمینه موضوع تحت بررسی یا جنبه‌هایی از آن دارای اطلاعات و شناخت مناسب و کافی باشند (محمدپور، صادقی و رضایی، ۱۳۸۹). در این روش نمونه‌گیری که خاص پژوهش‌های کیفی است، تعداد افراد مورد مطالعه به اشباع نظری^۴ سؤالات مورد بررسی بستگی دارد، به این ترتیب که هرگاه پژوهشگر به این نتیجه برسد که پاسخ‌های داده‌شده و

¹ Grounded Theory

² Strauss & Corbin

³ Maxwell

⁴ Theoretical Saturation

یا مصاحبه‌های انجام شده با افراد مطلع به اندازه‌ای به همدیگر شباهت دارند که منجر به تکراری شدن پاسخ‌ها و یا مصاحبه‌ها شده و داده‌های جدیدی در آن‌ها وجود ندارد، تعداد مصاحبه‌ها را کافی دانسته و دست از مصاحبه می‌کشد (محمدپور، صادقی و رضایی، ۱۳۸۹). در این پژوهش پس از بررسی روش‌های مختلف نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی برای انتخاب مشارکت‌کنندگان از بین کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان از روش متوالی نظری^۱ استفاده شده است. معیار این انتخاب افراد دارای بیشترین میزان امانت کتاب از کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان طی دو سال گذشته طبق آمار موجود در اداره کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان می‌باشد. لازم به ذکر است پس از مصاحبه با ۲۱ یک نفر از اعضای فعال کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان پژوهشگر به اشباع نظری رسید، یعنی در پاسخ‌ها به داده جدیدی دست نمی‌یافت و به این ترتیب مصاحبه را به اتمام رساند.

جدول ۱. نمونه آماری پژوهش

ردیف	مشارکت کننده	جنسیت	سن
۱	کاربر شماره یک	زن	۲۳
۲	کاربر شماره دو	زن	۱۸
۳	کاربر شماره سه	مرد	۲۴
۴	کاربر شماره چهار	مرد	۱۹
۵	کاربر شماره پنج	زن	۲۱
۶	کاربر شماره شش	مرد	۲۵
۷	کاربر شماره هفت	زن	۱۸
۸	کاربر شماره هشت	زن	۲۷
۹	کاربر شماره نه	زن	۱۹
۱۰	کاربر شماره ده	مرد	۲۸
۱۱	کاربر شماره یازده	زن	۳۵

^۱ Frequently Theoretical Sampling

ردیف	مشارکت کننده	جنسیت	سن
۱۲	کاربر شماره دوازده	زن	۲۲
۱۳	کاربر شماره سیزده	مرد	۳۷
۱۴	کاربر شماره چهارده	زن	۲۳
۱۵	کاربر شماره پانزده	مرد	۲۷
۱۶	کاربر شماره شانزده	مرد	۲۶
۱۷	کاربر شماره هفده	مرد	۳۴
۱۸	کاربر شماره هجده	زن	۳۶
۱۹	کاربر شماره نوزده	زن	۳۳
۲۰	کاربر شماره بیست	مرد	۲۰
۲۱	کاربر شماره بیست و یک	زن	۳۷

البته بدیهی است که معیار استفاده از شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان پیش‌شرط لازم برای ورود افراد موردنظر به مشارکت‌کنندگان در پژوهش در نظر گرفته شده بود. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته^۱ است که بر اساس آن پژوهشگر فهرستی از پرسش‌های موردنظر را به‌عنوان برگه راهنمای مصاحبه^۲ در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار داد. برگه راهنمای مصاحبه صرفاً مشخص‌کننده موضوعاتی است که مصاحبه آن‌ها را پوشش خواهد داد (حریری، ۱۳۸۵، ۱۵۰). این نوع مصاحبه، در عین تمرکز بر موضوع پژوهش، با دارا بودن انعطاف‌پذیری لازم، به مصاحبه‌شوندگان امکان می‌دهد به جنبه‌هایی از موضوع بپردازند که از دیدگاه آن‌ها دارای اهمیت است (حریری، ۱۳۸۵، ۱۵۱).

برای تعیین روایی و پایایی پژوهش حاضر از روش ارزیابی لینکولن و گوبا^۳ (۱۹۸۵، ۸۶) که معادل روایی و پایایی در تحقیقات کمی است، استفاده گردید. بدین منظور بر پایه

¹ Semi – Structured Interview

² Interview Guide

³ Lincoln & Guba

این روش؛ سه معیار اعتبار (باورپذیری^۱)، انتقال‌پذیری^۲ و اطمینان‌پذیری^۳ جهت ارزیابی در نظر گرفته شد. برای دستیابی به هر یک از این معیارها، کارهای زیر انجام گرفت:

✓ **اعتبار (باورپذیری):** صرف زمان کافی برای پژوهش، تأیید داده‌های مصاحبه توسط مصاحبه‌شونده پس از پیاده‌سازی، تأیید فرایند پژوهش توسط چند متخصص، اطمینان از یکسانی دیدگاه کدگذاران با استفاده از دو کدگذار دیگر برای رمزگذاری چند نمونه مصاحبه، نوشتن یادداشت دامنه و یادآور در طول پژوهش.

✓ **انتقال‌پذیری:** کسب نظر و تأیید چند پژوهشگر کلیدی که در پژوهش مشارکت نداشتند در مورد یافته‌های پژوهش.

✓ **اطمینان‌پذیری:** ثبت و ضبط تمامی جزئیات پژوهش و یادداشت‌برداری در تمامی گام‌های کار.

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده و رسیدن به نظریه، از روش رمزگذاری نظری^۴ استفاده شد. این روش از این جهت مناسب تشخیص داده شد که روشی استقرایی و اکتشافی است و به عنوان روشی راهگشا، با تجزیه و تحلیل متن به جزءها و مفهوم‌های دقیق، امکان تعریف یک نظریه یا الگو را فراهم می‌آورد (ادیب حاج‌باقری، ۱۳۸۵، ۴۳). در این روش با مقایسه مداوم در رویکرد نظریه زمینه‌ای اشتراوس و کوربین رمزگذاری در سه مرحله باز^۵، محوری^۶ و انتخابی^۷ انجام گردید. به این ترتیب که پس از نسخه‌برداری از داده‌ها و ذخیره آنها ابتدا در رمزگذاری باز، رمزهای مناسب به بخش‌های مختلف داده‌ها اختصاص یافته و این رمزها در قالب مقوله‌های گویا دسته‌بندی شدند، سپس پژوهشگران به رمزگذاری محوری اقدام نمودند.

¹ Credibility

² Transferability

³ Dependability

⁴ Theoretical Coding

⁵ Open Coding

⁶ Axial Coding

⁷ Selective Coding

یافته‌های پژوهش

در خصوص تحلیل مرحله‌ای یافته‌ها با تفکیک و بررسی متون مصاحبه‌ها رمزگذاری باز^۱ با جزء به جزء کردن اطلاعات، به شکل مقوله‌های اطلاعات درباره چگونگی به کارگیری شبکه‌های اجتماعی برای اشتراک دانش در کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان پرداخته شد. در این مرحله داده‌ها به بخش‌های مجزا تقسیم، از نزدیک بررسی و از نظر شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان با یکدیگر مقایسه شدند. بر اساس داده‌های گردآوری شده از مصاحبه‌ها در مجموع ۶۱ گزاره مفهومی استخراج گردید. در مرحله دوم رمزگذاری، که رمزگذاری محوری^۲ نام دارد، داده‌های خرد شده در جریان رمزگذاری باز دوباره کنار هم گذاشته می‌شوند و مقوله‌هایی که بیشترین ارتباط را با مسئله پژوهش دارند از میان رمزها و یادداشت‌های مربوطه انتخاب می‌شوند. در این مرحله از میان گزاره‌های مفهومی مرحله اول رمزگذاری ۲۲ گزاره مفهومی مرتبط با مصاحبه کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان شناسایی شده است. در مرحله سوم یعنی رمزگذاری انتخابی^۳ به تعیین مقوله‌های اصلی پرداخته شد که ۴ مقوله در ارتباط با مصاحبه‌های جامعه پژوهش شامل: ارتباطات، فعالیت‌های حرفه‌ای، مهارت‌ها و فعالیت‌های گروهی به دست آمد.

^۱ Open Coding

^۲ Axial Coding

^۳ Selective Coding

آیا کاربران کتابخانه‌های عمومی از شبکه‌های اجتماعی برای اشتراک دانش استفاده می‌کنند؟؛ یک مطالعه کیفی // ۹۳

جدول ۲. کدگذاری داده‌های راهبرد کیفی مربوط به مصاحبه کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان در سه

مرحله

کد گذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز	کد
ارتباطات	مسائل عاطفی سرگرمی اخبار عمومی ارتباطات (فردی - گروهی) مذهب	سرگرمی	A1
		ارتباطات عاطفی	A2
		دسترسی به اطلاعات به‌روز	A5
		پر کردن اوقات فراغت	A8
		تبادل نوشته‌های احساسی	A9
		تبادل اخبار روز	A12
		جوک	A17
		مطالب عاشقانه	A19
		مطالب مذهبی	A23
		موسیقی	A27
		تبادل نظرات شخصی	A28
		مطالب ورزشی	A29
		چت	A34
		شعر	A35
فعالیت‌های حرفه‌ای	اطلاعات سازمانی آگاهی‌ها تجارب کارگروهی مشورت	اجتماع سازی مجازی	B1
		تبادل اخبار سازمان	B3
		اشتراک مسائل سازمان	B12
		بهره‌مندی از اطلاعات همکاران	B17
		آگاهی‌رسانی سازمانی	B23
		بهره‌مندی از تجربه‌های شاغلان در سازمان	B27
		تسهیل ارتباطات سازمانی	B29
		انجام کارهای گروهی	B31

کد گذاری انتخابی	کد گذاری محوری	کد گذاری باز	کد
مهارت‌ها	اطلاعات عمومی آموزش مسائل زندگی علوم متفرقه اطلاعات تخصصی	افزایش دانش سازمانی	B32
		بحث و تبادل نظر	B33
		هم‌فکری و مشورت	B34
		انتقال مطالب علمی	C3
		تحقق اهداف پژوهشی	C6
		کسب اطلاعات مفید	C7
		تبادل نظرات علمی	C12
		انجام تکالیف درسی	C15
		مسائل مربوط به اعتیاد	C18
		معرفی فعالیت‌های گروهی	C25
		اطلاعات عمومی	C28
		اطلاعات آشنایی	C32
		مطالب آموزشی	C36
		مطالب بهداشتی - زیبایی	C39
		مسائل هنری	C41
		اشتراک دانسته‌های علمی	C42
		اشتراک اطلاعات تخصصی	C48
		افزایش دانش فردی	C51
		اشتراک دانش تخصصی	C52
		ترویج دانش	C55
		نکات درسی	C57
معرفی منابع جدید	C58		
اشتراک اطلاعات	C60		
راهنمایی برای استفاده از شبکه‌های اجتماعی	C61		

آیا کاربران کتابخانه‌های عمومی از شبکه‌های اجتماعی برای اشتراک دانش استفاده می‌کنند؟؛ یک مطالعه کیفی // ۹۵

کد گذاری انتخابی	کد گذاری محوری	کد گذاری باز	کد
فعالیت‌های گروهی	فرهنگ کتاب‌خوانی تجارب اشتراک فکر خرافات	معرفی منابع موجود	C65
		اشتراک تجربه‌ها	D7
		مشورت	D13
		ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی	D18
		آگاهی‌رسانی جاری	D25
	وجود شبکه‌های اجتماعی شرایط انسانی وجود اینترنت بسترهای اینترنت	مسائل خرافی	D31
		فراهم بودن زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری	E1
		فراهم بودن امکانات اینترنت	E4
		غنی‌سازی اوقات فراغت	E7
		امکان تعاملات اجتماعی در کتابخانه	E9
		امکان برگزاری کارگاه‌های آموزشی	E13
		به وجود آمدن نرم‌افزارهای تلفن همراه	E18
		پالایه بودن شبکه‌های اجتماعی	E22
		عدم علاقه به کتاب‌خوانی	E26
		قیمت مناسب اینترنت	E29

بحث و نتیجه‌گیری

سؤال اول پژوهش: کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان چه شناختی از شبکه‌های اجتماعی دارند؟

نحوه شناخت و درک کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان از شبکه‌های اجتماعی با توجه به یافته‌های به دست آمده از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها در بیشتر موارد به چگونگی استفاده آن‌ها از شبکه‌های اجتماعی وابسته است. یعنی هر مشارکت‌کننده با توجه به هدف خود از به کار بردن شبکه‌های اجتماعی نوع شناخت و دیدگاه خود را در این رابطه بیان کرده است. به طوری که هیچ کدام از مشارکت‌کنندگان به ساختار و نحوه شکل‌گیری یا کاربردهای گوناگونی که این شبکه‌ها می‌توانند داشته باشند اشاره‌ای نکرده‌اند. همچنین به طور کلی کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان دیدگاه و نگرش منفی نسبت به محتوایی که در فضای شبکه‌های اجتماعی ردوبدل می‌شود، داشته‌اند که در واقع چنین نیست و محتوای شبکه‌های اجتماعی هم می‌تواند مفید و هم می‌تواند مضر باشد، بستگی به نوع استفاده و انتخاب افراد دارد. شاید کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان در ارتباط با شبکه‌های اجتماعی انتخابی نادرست و ناشایست داشته‌اند که البته خود این کاربران به نوعی از این انتخاب ناراضی به نظر می‌رسند. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد آموزش استفاده درست و به جا و برنامه‌ریزی برای چگونه استفاده کردن از شبکه‌های اجتماعی می‌تواند نگرش کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان را در این خصوص تغییر دهد و درک آن‌ها از شبکه‌های اجتماعی را گسترده‌تر و قابل قبول‌تر شود، چراکه شناخت صحیح از این رسانه‌ها باعث می‌شود تا کاربران بیش از پیش بتوانند از این ابزارها استفاده مفید و مؤثر داشته باشند. در همین راستا اگر آموزش‌ها و پوشش شبکه‌های اجتماعی برای همه کاربران کتابخانه‌های عمومی برابر باشد به عنوان مثال دسترسی یکسان به اینترنت برای همه، باعث می‌شود این شبکه‌ها فرصت‌های بیشتری را برای کاربران خود ایجاد کنند و به تبع آن نگرش کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان نسبت به شبکه‌های اجتماعی مثبت‌تر و شناخت آن‌ها بیشتر و عمیق‌تر شود. در مقایسه میزان شناخت و نوع نگرش کاربران و کتابداران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان، کتابداران از شناختی عمیق‌تر و

نگرش مثبت‌تری در رابطه با شبکه‌های اجتماعی برخوردار بوده‌اند. از دلایل این امر می‌توان به دسترسی بیشتر و آسان‌تر کتابداران به اینترنت به دلیل وجود اینترنت مجانی در محل کار آن‌ها و محدودیت کمتر کتابداران برای خرید و نصب نرم‌افزارهای فیلترشکن اشاره کرد. طبق یافته‌های این پژوهش از میان شبکه‌های اجتماعی مورد بررسی در پژوهش حاضر، کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان از فیس‌بوک و یوتیوب و در بعضی موارد گوگل پلاس شناخت و استفاده بیشتری داشته‌اند و معمولاً نوشته‌های خود را در فیس‌بوک به اشتراک می‌گذارند. نتایج حاصل از این پژوهش با پژوهش چو و اس‌دو (۲۰۱۳) که نشان داد فیس‌بوک و توییتر رایج‌ترین ابزارهای شبکه‌های اجتماعی مورد استفاده در کتابخانه‌های دانشگاهی بودند و کاربران کتابخانه‌ها دیدگاه منفی نسبت به کاربرد شبکه‌های اجتماعی دارند که این می‌تواند یک مانع برای استفاده از این ابزارها در کتابخانه‌های دانشگاهی باشد هم‌خوانی دارد. البته در ارتباط با توییتر این دو پژوهش باهم تناقض دارند چراکه کاربران کتابخانه‌های عمومی کمتر و شاید اصلاً از این شبکه شناخت و استفاده‌ای داشته‌اند. همچنین یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش دیکسون و هالی (۲۰۱۰) همسو می‌باشد. یافته‌های پژوهش دیکسون و هالی نشان می‌دهد اگر پوشش موضوعی در شبکه‌های اجتماعی برای همه مناطق برابر باشد شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به روش مؤثری برای دانشجویان کتابخانه‌های دانشگاهی ایالات متحده امریکا ایجاد فرصت کنند. طبق یافته‌های این پژوهش نیز پوشش و آموزش برابر شبکه‌های اجتماعی برای همه کاربران می‌تواند نگرش کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان را به سمت مثبت سوق دهد و فرصت‌های بیشتری به منظور استفاده مؤثر از این شبکه‌ها برای آن‌ها فراهم کند.

سؤال دوم پژوهش: کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان چگونه شبکه‌های

اجتماعی را مورد استفاده قرار می‌دهند؟

با دقت نظر در یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها و صحبت‌های مشارکت‌کنندگان فهم می‌گردد که رفتار کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان در رابطه با نحوه به کارگیری شبکه‌های اجتماعی رفتاری کنترل نشده و بدون برنامه‌ریزی است و هدف آن‌ها از استفاده از شبکه‌های اجتماعی سرگرمی و پر کردن اوقات فراغت است.

یعنی هیچ هدف خاصی برای انجام این کار ندارند و در زمانی که هیچ مسئولیت و فعالیتی ندارند وقت خود را در شبکه‌های اجتماعی می‌گذرانند تا جایی که به این فضا وابسته شده‌اند و جزء برنامه روزانه آن‌ها شده است که می‌تواند آثار و نتایج زیان‌بار و نامطلوبی به همراه داشته باشد. اغلب مشارکت‌کنندگان هدف خود در استفاده از شبکه‌های اجتماعی را پر کردن اوقات فراغت، سرگرمی‌های روزانه، اشتراک نظرات شخصی، خواندن و ارسال پیام‌ها برای دوستان، برقراری ارتباط با دوستان قدیمی که در حال حاضر نمی‌توانند از نزدیک آن‌ها را ببینند، قرار گرفته در جریان مسائل روز، انجام تکالیف مدرسه، اشتراک‌گذاری عکس و متن، چت کردن، اشتراک مطالب بهداشتی و زیبایی بیان کرده‌اند. استفاده غیررسمی از شبکه‌های اجتماعی در مصاحبه‌های همه شرکت‌کنندگان قابل مشاهده است که اغلب برای استفاده‌های شخصی و غیرحرفه‌ای بوده است. البته در صورت فراهم بودن شرایط مانند دسترسی مجانی به اینترنت و امکان استفاده آسان‌تر از شبکه‌های اجتماعی کاربران کتابخانه‌های عمومی نسبت به مشارکت در این شبکه‌ها و استفاده از این ابزارها در منافع و فعالیت‌های حرفه‌ای و سازمانی گرایش مثبت دارند. کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان دو شبکه فیس‌بوک و یوتیوب را بیشتر از بقیه و به‌ندرت گوگل پلاس و توئیتر را مورد استفاده قرار می‌دهند در حالی که هیچ‌کدام از شرکت‌کنندگان از مای‌اسپیس استفاده‌ای نمی‌کردند و شناختی نیز از آن نداشته‌اند. با بررسی یافته‌ها مشخص می‌شود که فیس‌بوک هم در میان کاربران و هم در میان کتابداران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان بیشترین و مای‌اسپیس کمترین استفاده را دارد. بنابراین کتابخانه‌های عمومی می‌توانند با استفاده از فیس‌بوک فرصتی را برای کنار هم قرار دادن کاربران و کتابداران خود فراهم آورند و دامنه تعاملات آن‌ها را گسترش دهند و از شبکه‌های اجتماعی به‌نحوی که سازمان‌های گوناگون به دنبال بهره‌برداری از آن‌ها هستند استفاده لازم را ببرند و با استفاده از محیط شبکه‌های اجتماعی استعدادها و نیازهای مخاطبان خود را شناسایی کنند و به آن‌ها پاسخ گویند. همچنین کتابداران می‌توانند از طریق محیط شبکه‌های اجتماعی به کاربران خدمات مجازی ارائه دهند و بازخورد نظرات کاربران را دریافت کنند. یافته‌های این پژوهش با پژوهش آهارونی (۲۰۱۰) که نشان

می‌دهد گسترش کاربرد توئیتر در کتابخانه‌های عمومی و دانشگاهی می‌تواند این کتابخانه‌ها قادر به پخش و اشتراک اطلاعات درباره فعالیت‌های خود، نظرات، موقعیت‌ها و منافع حرفه‌ای کند هم‌خوانی دارد. هرچند که توئیتر توسط کتابداران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان کمتر استفاده می‌شود ولی با ترویج استفاده از این شبکه در کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان می‌توان شرایط را برای پخش و اشتراک اطلاعات و نظرات کاربران مهیا کرد. یافته‌های این پژوهش با پژوهش اکبری (۱۳۹۳) نیز هم‌خوانی دارد. نتایج پژوهش اکبری نشان می‌دهد که میان نفوذ شبکه‌های اجتماعی مجازی، بهره‌مندی افراد از این شبکه‌ها و همچنین جلب مشارکت اجتماعی کاربران رابطه معناداری وجود دارد.

سؤال سوم پژوهش: کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان چگونه شبکه‌های اجتماعی را جهت اشتراک گذاری دانش مورد استفاده قرار می‌دهند؟

تجزیه و تحلیل یافته‌های حاصل از مصاحبه با کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان نشان می‌دهد که آن‌ها از شبکه‌های اجتماعی در جهت اشتراک دانش استفاده می‌کنند هرچند ممکن است خود فرد از این موضوع اطلاعی نداشته باشد. ناآگاهی کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان نسبت به مفهوم اشتراک دانش به بی‌تفاوتی جامعه ما نسبت به رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی و ناشناخته ماندن موضوعات مرتبط با آن برمی‌گردد. چراکه برخورد افراد جامعه ما نسبت به این رشته دانشگاهی برخورد مناسبی نیست و در نتیجه مسائل مربوط به آن کمتر در ارتباطات افراد معمولی منعکس می‌شود. همچنین یافته‌ها حاکی از آن است کاربران کتابخانه‌های عمومی شهر کرمان شبکه‌های اجتماعی را برای اهداف و رفتارهای مرتبط با اشتراک دانش مؤثر دانسته‌اند هرچند آن‌ها در درجه اول از شبکه‌های اجتماعی برای اشتراک دانش عمومی و غیر تخصصی استفاده می‌کنند. شبکه‌های اجتماعی توسط کاربران کتابخانه‌های عمومی برای ارتباطات خارجی و اشتراک اطلاعات غیر تخصصی و تعاملات دانش مرتبط با موضوعات عمومی و بیشتر برای ارتباطات دوطرفه (مانند گفتگو و مکالمه با دوستان) مورد استفاده قرار می‌گیرند. همچنین شبکه‌های اجتماعی بیشتر برای اشتراک گذاری عکس و متن‌های عمومی و سرگرم‌کننده

به کار گرفته می شوند که البته می توانند حاوی و حامل دانش باشند. به هر حال کاربران کتابخانه های عمومی شهر کرمان از شبکه های اجتماعی بیشتر برای تعاملات و ارتباطات فردی و جمع آوری اطلاعات عمومی استفاده می کنند و در مقایسه با کتابداران کمتر برای اشتراک دانش این ابزارها را مورد استفاده قرار می دهند. این تفاوت به دلیل دسترسی بیشتر و آسان تر کتابداران به اینترنت با وجود اینترنت مجانی در محل کارشان است. با توجه به گسترش نرم افزارهای کاربردی تلفن های همراه و امکان نصب رایگان این نرم افزارها بر روی تلفن های همراه و همچنین پالایه نبودن این نوع شبکه های اجتماعی به طور کلی استفاده از شبکه های اجتماعی مورد بررسی در این پژوهش در بین کاربران کتابخانه های عمومی شهر کرمان سیر نزولی داشته و به تبع آن استفاده از شبکه های اجتماعی مدنظر در این پژوهش جهت اشتراک گذاری دانش و تجربیات و ایده ها کاهش یافته است. یافته های پژوهش حاضر با پژوهش چن، چو و زو (۲۰۱۲) مغایرت دارد. چن و همکاران در پژوهش خود به این نتیجه رسیده اند که از میان چهار نوع تعامل اشتراک دانش، انتشار دانش، ارتباطات و جمع آوری دانش در ارتباط با نحوه به کارگیری شبکه های اجتماعی توسط کتابخانه ها، اشتراک دانش بیشترین حجم پاسخ ها را به خود اختصاص داده است. در حالی که یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد کاربران کتابخانه های عمومی از شبکه های اجتماعی جهت اشتراک دانش کمترین استفاده را می برند. از طرف دیگر یافته های این پژوهش با پژوهش اناری (۱۳۹۱) هم خوانی دارد. اناری در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که میزان استفاده کتابداران دانشگاه لیمریک از ابزارهای رسانه های اجتماعی - تعاملی وب ۲ در به اشتراک گذاری دانش بیشتر از کتابداران دانشگاه اصفهان است.

پیشنهادات اجرایی

با توجه به نتایج حاصله از این پژوهش می توان گفت کتابخانه های عمومی با فراهم آوردن بستر و فضای مناسب استفاده از شبکه وب و به طور اخص شبکه های اجتماعی (البته با در نظر گرفتن موارد ایمنی مانند تخصیص نام کاربری و نیز تحدید دامنه استفاده)

آیا کاربران کتابخانه‌های عمومی از شبکه‌های اجتماعی برای اشتراک دانش استفاده می‌کنند؟: یک مطالعه کیفی // ۱۰۱

می‌توانند در راستای جذب مخاطب و افزایش کاربران خود گامی مؤثر بردارند. مورد مناسب دیگر در این راستا برگزاری کارگاه‌های آشنایی با دانش و انواع آن و نیز چگونگی به اشتراک گذاشتن آن‌ها از سوی کتابخانه‌های عمومی جهت ارتقاء آگاهی کاربران این کتابخانه‌هاست.

پیشنهاد برای مطالعات آتی

با توجه به همه آن چیزی که در این پژوهش به‌طور مبسوط اشاره شد، می‌توان محورهای زیر را جهت مطالعات آینده پیشنهاد داد:

- بررسی میزان اشتراک دانش در کتابخانه‌های عمومی با استفاده از شبکه‌های اجتماعی
- نیازسنجی کاربران کتابخانه‌های عمومی با توجه به ابعاد دنیای فناورانه امروزی
- بررسی چگونگی استفاده از شبکه‌های اجتماعی در سایر انواع کتابخانه‌ها

منابع

۱. ادیب حاج‌باقری، محسن. (۱۳۸۵). روش تحقیق گراندد توری، راه و روش نظریه‌پردازی در علوم انسانی و بهداشتی. تهران: نشر و تبلیغ بشری.
۲. اکبری، حمیدرضا. (۱۳۹۱). نقش شبکه‌های اجتماعی در جلب مشارکت اجتماعی، بررسی دیدگاه‌های دانشجویان کاربر فیس‌بوک در دانشگاه‌های شهر تهران. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی، مرکز آموزش الکترونیک.
۳. اناری، فاطمه. (۱۳۹۱). بررسی مقایسه‌ای استفاده از رسانه‌های اجتماعی تعاملی وب ۲ در به اشتراک‌گذاری دانش بین کتابداران دانشگاه لیمبریک - ایرلند و دانشگاه اصفهان. پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی.
۴. اناری، فاطمه؛ عاصمی، عاطفه؛ ریاحی‌ناه، نصرت. (۱۳۹۲). بررسی میزان استفاده از ابزارهای شبکه‌های اجتماعی در به اشتراک‌گذاری دانش بین کتابداران دانشگاه اصفهان. فصلنامه دانش‌شناسی (علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی و فناوری اطلاعات)، ۱۰ (۲)، ۱۰-۳۳.
۵. پادیا، جواد. (۱۳۹۱). رسانه‌های اجتماعی فراتر از وب، فراتر از واقعیت. ماهنامه وب، ۱۵۰، ۸۱-۸۳.
۶. جباری، نگین. (۱۳۹۲). ارائه الگوی مناسب از عوامل به اشتراک‌گذاری دانش در میان اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های گرگان. مقاله منتشر شده در ششمین کنفرانس مدیریت دانش، تهران، اسفند، سالن همایش‌های بین‌المللی شهید بهشتی.
۷. جعفرزاده‌کرمانی، زهرا. (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر رفتار اشتراک دانش اعضای هیأت علمی رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی. پایان‌نامه منتشر نشده دکتری کتابداری و اطلاع‌رسانی. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی.
۸. حریری، نجلا. (۱۳۸۵). اصول و روش‌های پژوهش کیفی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
۹. رهنورد، فرح‌الله؛ خاوندکار، جلیل. (۱۳۸۷). تأثیر اشتراک دانش بر توفیق در برون‌سپاری خدمات فناوری اطلاعات. مدیریت فناوری اطلاعات، ۲۳(۱)، ۴۹-۶۴.
۱۰. زارعی، ابراهیم. (۱۳۹۳). رابطه تسهیم دانش و قابلیت نوآوری در کتابخانه‌های دانشگاهی، پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی.
۱۱. محمدپور، احمد؛ صادقی، رسول؛ رضایی، مهدی. (۱۳۸۹). روش‌های تحقیق ترکیبی به‌عنوان سومین جنبش روش‌شناختی: مبانی نظری و اصول عملی جامعه‌شناسی کاربردی. مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ۲۱(۲)، ۷۷-۱۰۰.
۱۲. نعمتی‌تارکی، لیل. (۱۳۹۳). اشتراک دانش برون‌سازمانی: ارائه الگوی جامع. مجله اطلاع‌رسانی پزشکی نوین، ۱(۱)، ۱۰-۲۵.
13. Aharony, N. (2010). Twitter use in libraries: An exploratory analysis. *Journal of web librarianship*, 4 (4), 333 – 550.
14. Chu, S. K.-W.; Chen, D. Y.-T.; Xu, S.-Q. (2012). How do Libraries Use Social Media Networking Sites to Interact with users. Available at: <http://www.Asis.org/assist2012/proceedings/submissions/85.pdf>.
15. Chu, S.; SDU, H. (2013). Social networking tools for academic libraries. *Librarianship & Information science*, 45, 64 – 75
16. Chung, H.; Cooke, L.; Fry, J.; Hung, I. (2015). Factors affecting knowledge sharing in the virtual organization: Employees sense of well-being as a mediating effect. *Computers in Human Behavior*, 44, 70 – 80.
17. Dickson, A.; Holley, R. (2010). Social networking in academic libraries: the Possibilities & the concerns. *New library World*, 111 (11/12), 468 – 479.
18. Dokhtesmati, M.; Ghorbani Buosari, R. (2013). Knowledge Sharing in Iranian academic institutions: Meta-analysis approach. *Social & Behavioral Sciences*, 73, 383 – 387.
19. Forceir, E. (2012). A pilot study of Blog use for Internal Knowledge Sharing in academic libraries. *Canadian Association of Information Science*, 40th Annual Conference, Waterloo, Ontario, June 2, 2012.
20. Lincoln, Y. S.; Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. Beverly Hills, CA: Sage.
21. Maxwell, J. A. (1996). *Qualitative research design: An interactive approach*. Thousand Oaks, CA: Sage.
22. Strauss, A.; Corbin, J. (1998). *Basics of qualitative research: Techniques & procedures for developing grounded theory*. California: Sage.
23. Tung – Chinglin, S.W.; Chun – Tai I. (2012). Exploring the affect factors of Knowledge Sharing behavior: The relations model theory perspective. *Expert Systems with Applications*, 39(1), 751764.